

ابلاغی است. به بیان دقیق‌تر، قوانین لازم‌الاجرا که تعیین‌کننده چارچوب‌های رفتاری در حوزه‌های گوناگون زندگی اجتماعی هستند، باید در راستای سیاست‌ها و مسیر کلی تعیین‌شده توسط ولی فقیه تصویب شود.

### بررسی سازوکار و سابقه نظارت بر حسن اجرای سیاست‌ها در فرایند تقنین

نخستین پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود، این است که در گذر تاریخ، پس از اساسی‌سازی موضوع ابلاغ و نظارت بر سیاست‌های کلی نظام در اصلاح و بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، نظارت بر عدم مغایرت و انطباق مصوبات مجلس با سیاست‌های کلی نظام چه فرایندی را طی کرده است؟ آیا این موضوع امر بدیع و جدیدی محسوب می‌شود یا دارای سابقه تاریخی است؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که در کنار صلاحیت ذاتی شورای نگهبان در خصوص نظارت بر حسن اجرای سیاست‌ها در فرایند تقنین، این صلاحیت به‌موجب مرقومه رهبری خطاب به رئیس وقت مجمع تشخیص مصلحت نظام مستند به ذیل اصل ۱۱۰ قانون اساسی در سال ۱۳۷۷ به مجمع واگذار شد. پس از آن رهبری در ابلاغ سیاست‌های مختلف به‌صراحت بر صلاحیت مجمع تشخیص مصلحت نظام در نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام تأکید کردند. پس از آن در سال ۱۳۸۴، «مقررات نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تهیه و توسط رهبری تصویب و ابلاغ گشت. در سال ۱۳۹۲ نیز به‌منظور تقویت و اثربخشی این سیاست‌ها اصلاحاتی در مقررات مذکور صورت پذیرفت و به‌موجب آن کمیسیون نظارت در مجمع تشخیص مصلحت تشکیل شد. هرچند پس از آن نیز رهبری در پاسخ به مرقومه دبیر شورای نگهبان بر صلاحیت ذاتی این نهاد در امر انطباق مصوبات مجلس با سیاست‌های کلی نظام تأکید کردند. در نهایت رهبری به‌موجب بند ۴-۱ حکم پیوست انتصاب اعضای هشتمین دوره مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر داشتند: «وظایف صحن مجمع در امر نظارت به جمع برگزیده‌ای از اعضای مجمع انتقال می‌یابد. انتخاب این جمع بر عهده اعضای مجمع است». به‌موجب این حکم در حال حاضر هیئت

عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام به‌عنوان نهادی مستقل از مجمع تشخیص مصلحت نظام در کنار شورای نگهبان نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام در فرایند قانون‌گذاری را بر عهده دارد.

گفتنی است که در فرایند عملی نیز مصوبات متعددی از مجلس شورای اسلامی به استناد مغایرت با سیاست‌های کلی نظام مغایر با بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی دانسته شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به «لایحه بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور»، «لایحه اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های

### ۹۹ در کنار صلاحیت ذاتی شورای نگهبان در خصوص نظارت بر حسن اجرای سیاست‌ها در فرایند تقنین، این صلاحیت به‌موجب مرقومه رهبری خطاب به رئیس وقت مجمع تشخیص مصلحت نظام مستند به ذیل اصل ۱۱۰ قانون اساسی در سال ۱۳۷۷ به مجمع واگذار شد. پس از آن رهبری در ابلاغ سیاست‌های مختلف به‌صراحت بر صلاحیت مجمع تشخیص مصلحت نظام در نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام تأکید کردند. ۶۶

کلی اصل ۴۴ قانون اساسی»، «لایحه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)» اشاره کرد.

در نتیجه نظارت بر سیاست‌های کلی نظام در فرایند تقنین امر جدید و بدیعی محسوب نمی‌شود و نهاد‌های صالح بر این امر در طول دهه‌های گذشته هرچند به‌صورت موردی و جزئی این وظیفه قانون اساسی خود را عملیاتی کردند.

### تحلیل حقوقی ابهامات موجود در فرایند نظارت بر حسن اجرای سیاست‌ها در فرایند تقنین

مبتنی بر آنچه گفتیم، صلاحیت نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام در فرایند تقنین توأمان بر عهده شورای نگهبان به‌عنوان مرجع عام دادرسی اساسی و هیئت عالی نظارت

به‌عنوان مرجعی که رهبری صلاحیت خود را ذیل اصل ۱۱۰ قانون اساسی به این نهاد تفویض کرده است، قرار دارد. در خصوص صلاحیت نظارتی شورای نگهبان بر مصوبات مجلس شورای اسلامی اصول مختلف قانون اساسی تعیین تکلیف کردند و فرایند نظارتی شورای نگهبان از جمله نحوه اعلام نظر، نصاب آراء، مهلت بررسی مصوبات، سازوکار حل اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان در حوزه مصلحت و مواردی از این دست روشن و مشخص شده، اما موضوعات مذکور در خصوص اعمال صلاحیت هیئت عالی نظارت محل تأمل است و قانون اساسی در خصوص آن‌ها تعیین تکلیف نکرده است. بر این اساس در ادامه موضوع نحوه و مهلت اعلام نظر، سازوکار حل اختلاف در صورت اصرار مجلس بر مصوبه مغایر با سیاست‌های کلی نظام و همچنین سازوکار رفع نزاع میان نظرهای شورای نگهبان و هیئت عالی نظارت در فرایند قانون‌گذاری بررسی و تحلیل حقوقی می‌شود.

### مهلت زمانی و فرایند اظهار نظر هیئت عالی نظارت

در خصوص نحوه اظهار نظر هیئت عالی نظارت و همچنین مهلت اظهار نظر این نهاد باید در پی پاسخگویی به این پرسش بود که پس از تصویب مصوبه در مجلس شورای اسلامی و بررسی موضوع در جلسات هیئت عالی نظارت چگونه نظرهای این نهاد به مجلس شورای اسلامی منعکس می‌شود؟ همچنین هیئت عالی نظارت در فرایند بررسی خود محدود به مهلت زمانی مشخصی است یا خیر؟

در پاسخ به این پرسش‌ها یک فرض بیانگر آن است که هیئت عالی نظارت در مقام بررسی مصوبات مجلس و انطباق آن با سیاست‌های کلی نظام محدودیت زمانی ندارد و هر زمان این امکان را خواهد داشت که ایرادات خود را به مصوبه اعلام کند، زیرا قانون اساسی فقط برای شورای نگهبان مهلت تعیین و صلاحیت رهبری در نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام را بدون محدودیت بیان کرده است. این فرض در نامه شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی در مقام ارسال ایرادات هیئت عالی نظارت در خصوص «لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی